



تلقی افراطی از ورود عقل به قلمرو دین؛ منشأ تفسیر ناصواب از خاتمیت پیامبر(ص)

علامه جوادی آملی منشأ تفسیر ناصواب از خاتمیت پیامبر(ص) و عدم نیاز به وحی پس از رشد عقلی بشر را تلقی افراطی از ورود عقل به عرصه دین می‌داند و معتقدند که هر چند عقل مصباح شریعت است، اما به تنهایی قادر به راهنمایی بشر نیست.

علامه جوادی آملی منشأ تفسیر ناصواب از خاتمیت پیامبر(ص) و عدم نیاز به وحی پس از رشد عقلی بشر را تلقی افراطی از ورود عقل به عرصه دین می‌داند و معتقدند که هر چند عقل مصباح شریعت است، اما به تنهایی قادر به راهنمایی بشر نیست.

حجت‌الاسلام و المسلمین سیدمحمدتقی چاوشی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و حیانی معارج، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، در تبیین آراء و اندیشه‌های علامه جوادی آملی در مبحث گستره دین با اشاره به نیاز بشر به دین برای تعدیل حس خودخواهی خود در زندگی اجتماعی در پرتو قوانین و برنامه‌های سرچشمه گرفته از وحی، گفت: علم و حکمت خداوند اقتضاء دارد که این نیاز انسانی را تأمین کند.

ارائه قوانین جامع حق‌محور به بشر، اقتضاء علم و حکمت خداوند است

وی افزود: علم و حکمت خداوند اقتضاء دارد که خداوند قوانین جامع حق‌محور را در اختیار انبیاء قرار دهد تا آن‌ها را به بشر ابلاغ کنند. زیرا بی‌اعتنایی به نیازمندی انسان و برنامه تکامل او و در اختیار نگذاشتن قوانین وحیانی، مناقض حکمت خداوند و مستلزم نقض غرض است که چنین چیزی مستحیل است.

چاوشی در بخشی از این گفت‌وگو با اشاره به انواع عقل از نظر علامه جوادی آملی، عنوان کرد: عقل تجربی در علوم تجربی و انسانی ظهور می‌یابد. عقل نیمه تجربی در ریاضیات به کار بسته می‌شود. عقل تجریدی محض در فلسفه و کلام به بررسی براهین و اقامه آن‌ها می‌پردازد و عقل ناب در حیطه عرفان نظری، اعمال می‌شود.

[تفریطیون] عقل را صرفاً مفتاح شریعت و کلید ورود انسان به عرصه دین می‌شمردند که بعد از گشودن باب دین، کنار گذاشته می‌شود و جامعه بشری با محتوای دین روبرو است که از طریق فهم کتاب و سنت باید به آن دست یابد

عقل مورد نظر در گستره دین، محدود به عقل تجریدی محض نیست

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و حیانی معارج با بیان این که عقل مورد نظر در گستره دین، محدود به عقل تجریدی محض نیست، اظهار کرد: به طور کلی مراد از عقل همان علم یا طمأنینه علمی است که از برهان تجربی محض یا برهان تجریدی صرف و یا تلفیقی از تجربی و تجریدی حاصل آمده باشد و در قبال آن نقل وجود دارد؛ که همان مدلول معتبر متون دینی مانند قرآن و روایت است. در اینجا مقصود از عقل فلسفی و کلامی همان است که توان اثبات وجود خداوند، وحدت حیات، علم و نظایر این‌ها را داراست و رهاورد عقل در تمام این مطالب دینی، معقول و مقبول بوده و هست.

براساس نظر علامه جوادی آملی حضور عقل در حوزه شریعت ادراکی و نه حاکمی است

وی در ادامه با اشاره به این که علت اصلی گرایش انسان به دین در بخش اعتقاد و اندیشه، باید عقل و فطرت و در بخش عمل باید انگیزه و علت گرایش انسان به دین، جلب رضای خدای سبحان باشد، افزود: علاوه بر این باید توجه داشت که عقل در هیچ ساحتی، حکم مولوی ندارد و تنها برخی از احکام مولوی شارع را کشف و ادراک می‌کند.

چاوشی در تبیین این نکته از منظر آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی اظهار کرد: حق آن است که منبع هستی‌شناختی دین، فقط اراده و علم ازلی الهی است و همه اصول و فروع محتوایی آن از ناحیه خدای سبحان تعیین می‌شود؛ چرا که انشای حکم مولوی و صدور دستور باید؛ 171#؛ و نباید؛ 171#؛ از عهده کسی برمی‌آید که حق ربوبیت داشته و به جمیع مصالح و مفاصل آگاه

و قدرت بر پاداش و کیفر و عقاب داشته باشد. این در حالی است که عقل آدمی توان پاداش دادن مطیعان و عقاب عاصیان و متمردان را ندارد و اساساً این عقل فاقد شأن حکم کردن و دستور دادن است و همانند نقل، تنها گزارشگر و ادراک کننده احکام و دستورهای الهی است.

انشای حکم مولوی و صدور دستور 171#& باید؛ و 171#& نباید؛ از عهده کسی برمی‌آید که حق ربوبیت داشته و به جمیع مصالح و مفسد آگاه و قدرت بر پاداش و کیفر و عقاب داشته باشد. این در حالی است که عقل آدمی توان پاداش دادن مطیعان و عقاب عاصیان و متمردان را ندارد و اساساً این عقل فاقد شأن حکم کردن و دستور دادن است

این محقق و پژوهشگر افزود: بنابراین عقل، همتای نقل و در کنار آیات و روایات، منبع شناخت و کسب معرفت به احکام شرع است. عقل، در حوزه شریعت هر جا حضور دارد به عنوان مدرک است و نه حاکم؛ در غیر مستقلات عقلیه که عقل ملازمات میان دو حکم را ادراک می‌کند مطلب بسیار روشن است که حکمی ندارد. در مستقلات عقلیه نیز که به ادراک مناطات و ملاکات احکام نایل می‌آید، پس از ادراک، حکمی صادر نمی‌کند، بلکه از کشف ملاک حکم و علم به مناط آن به کشف و ادراک حکم واصل می‌شود.

عقل مصباح شریعت است

وی با بیان این که از نظر علامه جوادی آملی عقل مصباح شریعت است، عنوان کرد: از نظر ایشان کسانی که عقل را میزان دین و شریعت می‌پندارند، نگاهی افراطی به ورود عقل در قلمرو دین دارند و یکی از ثمرات این نگاه افراطی به عقل، ارائه تفسیری ناصواب از خاتمیت پیامبر اکرم(ص) است؛ زیرا براساس تلقی مفرطانه از ارزش عقل، هنگامی که عقل بشر رشد کرد، دیگر نیازی به وحی نیست؛ زیرا عقلی که مبنای سنجش صحت و سقم محتوای دین است، خود مستقیماً، هادی و راهبر انسان در شئون فردی و جمعی می‌شود.

چاوشی با اشاره به دیدگاه گروه مقابلی که می‌توان با عنوان تفریطیون از آنان یاد کرد، گفت: گروهی دیگر عقل را صرفاً مفتاح شریعت و کلید ورود انسان به عرصه دین می‌شمرند که بعد از گشودن باب دین، کنار گذاشته می‌شود و جامعه بشری با محتوای دین روبرو است که از طریق فهم کتاب و سنت باید به آن دست یابد. این دیدگاه سهمی نیز حتی در هماهنگی محتوای احکام دینی با زیر ساختارهای اصلی، برای عقل، قائل نیست.

وی با اشاره به باطل شمرده شدن هر دو دیدگاه قبلی از سوی علامه جوادی آملی، بیان کرد: از نظر ایشان نظر معتدلانه آن است که عقل افزون بر مفتاح بودن، مصباح دین نیز هست و منبع معرفتی انسان نسبت به مضامین و محتوای گنجینه دین است.